آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۱۱۴
سه شنبه
۱۴۰۰ • ۰۶ • ۳۰
۲۱/۱۴۴۳ ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱

یادداشـــت

اعتماد به طالبان صحیح نیست

مرتضی نجفی قدسی
تحلیلگر مسائل سیاسی

اعتماد به طالبان صحیح نیست. آنها در مدت حاکمیت خود در افغانستان هزاران نفر را قتل‌عام کرده‌اند و هزاران دختر را به عنوان جهاد نکاح ربوده‌اند و به آزادی‌های اجتماعی زنان هیچ عقیده‌ای ندارند و دوران حاکمیت آنها برای ملت افغانستان همواره با ترس و دلهره همراه بوده است، گرچه میلیون‌ها افغانی از خوف آنان به کشورهای دیگر از جمله ایران مهاجرت کردند تا حداقل جان خود را نجات دهند. امروزه ملت افغانستان دچار گرفتاری بزرگی شده است و محاصره دره پنجشیر نشان داد که طالبان به اصول دموکراسی پایبند نیست و بنایش حذف مخالفانش هست والا قاطبه علما و بزرگان افغانستان آنان را از حمله به پنجشیر بر حذر داشتند و راه مذاکره را پیشنهاد کردند ولی آنها با زور قصد تحکیم حاکمیت خود را بر همه پهنه افغانستان دارند و اگر هم موفق شوند اعتراضات داخلی را سرکوب کنند و همه مخالفین را از سر راه بردارند، چه نقشه‌هایی برای همسایگان شمالی و غربی خود دارند، اعاذنا الله! مطمئناً باید در این شرایط، سنجیده عمل کرد تا مبادا در پازل آمریکا عمل کنیم لذا باید از طالبان خواسته شود از محاصره صدها هزار افغانی تاجیک در دره‌های پنجشیر دست بکشد و مقدمات دولتی فراگیر با حضور همه اقوام و مذاهب تشکیل شود و نه این دولتی که معرفی کرده‌اند که همه از ملایان پشتون هستند و یکی دو نفر هم که از تاجیک و ازبک هستند در حقیقت از خود طالبان هستند و به شیعیان هم که هیچ سهمی نداده‌اند در صورتی که در دولت اشرف غنی چند وزیر شیعه هم داشتیم. طالبان اگر نماینده واقعی قوم پشتون هستند، بخشی از ملت افغانستان در کنار دیگر اقوام مانند تاجیک‌ها، ازبک‌ها و هزاره‌ها هستند و هیچ قومی نباید نگاه انحصارطلبانه داشته باشد تا بلکه با تشکیل حکومتی فراگیر وحدت ملی در این کشور برقرار شود و آتش جنگ داخلی خاموش شود و طالبان اگر ادعای ضد آمریکایی دارد، باید در عمل چنین رفتار کند تا اعتماد همه مردم افغانستان جلب شود. اما حداقل حمایت ملت ایران از ملت افغانستان باید معنوی باشد مانند حمایتی که در سال ۱۳۷۱ از ملت مظلوم بوسنی و هرزگوین در اروپا داشتیم، گرچه مشترکات ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها نسبت به مسلمانان بوسنی‌وهرزگوین بسیار بیشتر است و علاوه بر مسلمانی، همسایه بودن و همزبان بودن هم اضافه می‌شود گر چه عمیق‌تر بنگری پاره‌ای از تن ایران قدیم محسوب می‌شوند. شهید حاج‌قاسم‌سلیمانی در حمایت از مظلومین، مرز نمی‌شناخت و گزینشی عمل نمی‌کرد و برای او مظلوم شیعه و سنی، افغانی و عرب و عجم و ملت فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن، بحرین و افغانستان هیچ فرقی نمی‌کرد و لذا سردار دل‌های همه مسلمانان و محرومین و مستضعفان شد، حتی مسلمانان مظلوم کشمیر در هند در خانه‌های محقر خود تصویر او را به تبرک گذاشته‌اند! ما باید این آبرویی را که شهید سلیمانی برای جمهوری‌اسلامی در نزد ملت‌های منطقه و جهان ایجاد کرد، حفظ کنیم.

سخـــن روز

شانگهای و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران

ادامه از صفحه اول / صرف اتکا به چین و یا روسیه واقعا ترمیم‌کننده منافع و امنیت ملی ما نیست. کشورهای در حال توسعه و پیشرفتی مثل بنگلادش، اندونزی، ویتنام از جمله کشورهایی بودند که برای سالیان سال تحت ستم و استعمار کشورهای زیادی بودند ولی همین کشورها برای رشد و توسعه خودشان تلاش کردند تا روابط متوازنی با قدرت‌های جهان برقرار کنند. اندونزی هم روابط متوازنی با چین دارد، هم با روسیه و هم با هند دارد. تلاش می‌کند از تمام فرصت‌ها و مزیت‌های جهانی و منطقه‌ای خود استفاده کنند و ویتنام هم اینگونه است. جمهوری اسلامی ایران کشوری جدابافته و تافته در جهان نیست که بخواهد مسیر متفاوتی را برود. آنهم مسیری که با یکسری تصوراتی که با واقعیات جهانی و منطقه‌ای منطبق نیست. ما اگر بخواهیم در مسیر رشد و توسعه‌ای و استقلال قرار دهیم و تحت فشار و نفوذ قدرت‌های جهانی نباشیم و بخواهیم یک نقش موثری در منطقه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای داشته باشیم، نیازمند روابط متوازنی هستیم. نباید تنها اتکا به غرب کرد و نباید تنها اتکا به شرق کرد بلکه باید تلاش کرد با همه اینها روابط متوازنی داشته باشیم تا همه این قدرت‌ها به ما به عنوان یک کشور متکی به خود نگاه و روابط خود را با ما ترسیم و تنظیم کنند. چین و روسیه در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما در شش قطعنامه علیه ما رای دادند. چه تضمینی وجود دارد که دوباره اینگونه نشود؟ چین نشان داده که حاضر به منازعه با آمریکا بر سر کشورهای دیگر نیست. خط قرمز چین، هنگ کنگ و تایوان هستند. بر سر همه چیز حاضرند معامله کنند. همین الان که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران اعمال شده، آیا چین و روسیه با ما مراودات عادی تجاری و مالی دارند؟ آیا پول‌های ما از چین برمی‌گردد؟ پاسخ منفی است، چون ما تحت تحریم آمریکا هستیم نه تحریم سازمان ملل. باید مسائل‌مان را با جهان غرب حل کنیم یا حداقل اگر حل نمی‌کنیم، تعریف و مرزبندی‌های خودمان را مشخص کنیم. قطعا اگر بخواهیم همانند جبهه‌گیری طی چهار دهه گذشته ادامه دهیم و تلاش کنیم نه شرقی نه غربی را با اتکا به شرق در جهت مبارزه با غرب ادامه دهیم، به نظر نمی‌رسد بتوانیم نه تحریم‌های اقتصادی پیش رویمان را حل کنیم و نه بتوانیم مشکلات بزرگ داخلی را که متاثر از این تحریم‌هاست، رفع کنیم.

دیدگـــاه

تزریق واکسن سینوفارم به دانش آموزان و چندپرسش

ادامه از صفحه یک / مورد آزمایش قرار گرفته و چون این واکسن نیز از پروتئین نوترکیب ساخته شده و مانند واکسن هپاتیت B عمل می‌کند، حتی به نوزادان نیز تزریق شده و هیچ خطری نداشته است. خانواده‌ها نباید نگران تزریق واکسن به فرزندانشان باشند، مگر آنها که واکسن زده‌اند، خدایی ناکرده برایشان اتفاق ناگواری رخ داده است که حالا نگران فرزندانشان هستند؟ از دید نگارنده، نگرانی آنها بیشتر به‌دلیل صحبت‌های متناقض مسئولان در واکسینه کردن دانش آموزان با نام بردن از چند واکسن و اخبار منفی در این رابطه است که در فضای مجازی منتشر می‌شود. بی‌برنامگی در انتشار اخبار، برای میلیون‌ها نفر با ترس و استرس همراه شده و ما این بی‌برنامگی و تناقض در گفته‌ها را از زمان شیوع کرونا در کشور تا به‌امروز شاهد بودیم. به جرات می گویم که واکسن سینوفارم به زنان باردار توصیه و تجویز می‌شود، درحالی که شرایط آنها از کودکان بسیار خطرناک‌تر است، همچنین مادرانی که به فرزندان‌شان شیر می‌دهند نیز سینوفارم زده‌اند و برای آنها نیز مشکل ساز نبوده. مسئولانی که هر روز نام یک واکسن را برای دانش آموزان به میان آورده‌اند، حالا نیز پاسخگو باشند، اگر آنها از ابتدا می گفتند که برای دانش آموزان سینوفارم موثر است، هیچ مشکلی در این رابطه وجود نداشت. این یک حقیقت است که مدارس در آبان‌ماه بازگشایی می‌شود و بدون کارت واکسن، دانش آموزان را به مدرسه راه نخواهند داد، والدین باید تصمیم‌شان را بگیرند، یا اخبار و شایعات فضای مجازی را کنار بگذارند یا فرزندانشان را در برابر این ویروس واکسینه کنند. میلیون‌ها نفر در کشور خودمان این واکسن را زده‌اند و دلیل نگرانی برای کودکان بی‌مورد است و قطعا به فرزند خودم نیز این واکسن را پیشنهاد خواهم کرد.

محمدعلی سبحانی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

حفظ شانگهای در توازن با غرب است

- **نیازمند سیاست خارجی مبتنی بر منافع ملی هستیم**
- **برجام را به جایی نرسانیم؛ شانگهای ناقص می‌ماند**
- **ایران با ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای از ظرفیت‌ها استفاده کند**
- **حضور در پیمان‌های منطقه‌ای به رفع تحریم‌ها کمک می کند**

آرمان ملی – حمید شجاعی: بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان بر این عقیده‌اند که سیاست خارجی مطلوب رویکرد و نگاه متوازن و متعادل به همه کشورها و روابط بر اساس منافع ملی است. به عبارت دیگر برای فعالیت و نقش آفرینی بهتر در منطقه و نظام بین‌الملل باید بتوان با همه کشورها مناسبات سودمند و سازنده برقرار کرد. این در حالی است که از ابتدای انقلاب تاکنون سیاست خارجی کشورمان مبتنی بر شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی است، اما به‌نظر می‌رسد که شرایط منطقه و نظام بین‌الملل به گونه‌ای نیست که بدون ارتباط و تعامل با شرق و غرب بتوان نیازها، خواسته‌ها و اهداف کشور را تامین کرد. به همین جهت است که تحلیلگران سیاست خارجی می گویند باید بر اساس رویکرد ارتباط متوازن با شرق و غرب به پیش رفت. در همین راستا عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای به عنوان یکی از مهم‌ترین پیمان‌های امنیتی – اقتصادی در آسیا و حتی جهان موفقیتی است که می‌توان آن را در راستای سیاست نگاه به شرق تبیین کرد. از طرف دیگر برجام نیز به عنوان توافقی بین‌المللی که در راستای ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی از آن یاد می‌شود توافقی است که با احیای آن و در ادامه رفع تحریم‌ها می‌تواند به تعاملات سازنده و مثبت با کشورهای غربی منجر شود. البته همه اینها در گرو سیاست خارجی قوی و قائل به همکاری با همه کشورها است که به نظر می‌رسد دولت رئیسی در پی همین معنا در راستای منافع ملی باشد. در همین راستا برای بررسی عضویت ایران در سازمان شانگهای و منافع آن، سیاست نگاه به شرق و احیای برجام و مسائل آن «آرمان ملی» با محمدعلی سبحانی سفیر سابق ایران در لبنان و تحلیلگر مسائل بین الملل به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

سیاست نگاه به شرق در دولت آقای رئیسی و تحکیم ارتباط با چین و روسیه را چطور ارزیابی می‌کنید و این مساله چه ثمراتی برای کشورمان خواهد داشت؟

من معتقدم نگاه به شرق وقتی می‌تواند به توفیق برسد که بتوانیم با همه دنیا روابط مناسب داشته باشیم. یعنی آرمان‌های انقلاب‌مان و منافع ملی که همیشه یک جور موازنه منفی را در جهان پیگیری می‌کرده چندان با این رویکرد که همه سیاست خارجی خود را به یک سمت ببریم همخوانی ندارد و اجازه نمی‌دهد. البته دولت فعلی نیز تاکنون عکس این دیدگاه را نگفته و من معتقدم آنها نیز باید همین دیدگاه را داشته باشند. دیگر اینکه من تاکنون دو بار بحث استمرار در سیاست خارجی را به صورت مقاله مطرح کردم که یکی از مفاهیم سیاست خارجی در نظام بین‌الملل و سیاست خارجی دولت خوب محاسبه می‌شود. اساسا مفهوم Conti nition در سیاست خارجی این است که تغییرات در سیاست‌ها و رویکردها حداقلی است. لذا سال‌های سال است که بر روی سیاست خارجی جاری کار می‌شود و اینگونه نیست که این سیاست صرفا در دولت فعلی اتخاذ شده باشد. چرا که با تک تک این کشورها کار شده و تازه مدتی است که به نتیجه رسیده و بنا بود که در همین اجلاس شانگهای نیز این مساله اعلام شود. البته یک دیپلماسی منسجم و فشرده‌ای در چند سال گذشته این رویکرد نگاه به شرق را ساماندهی کرد که چندان نگاه مذمومی نیست و ما باید به هر جایی که منافعمان در آنجا تامین می‌شود نگاه کنیم. حال تفاوتی نمی‌کند که شرق، غرب، آسیای میانه، اروپا یا آفریقا است هر جا منافع داریم باید به آن نگاه کنیم. سیاست خارجی درست و دقیق می‌تواند یک سیاست ایرانی مبتنی بر منافع ملی باشد.

عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای و فرصت‌های آن برای ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بر مبنای آنچه که گفته شد اجلاس شانگهای اجلاس مهم منطقه‌ای است که عضویت در آن بسیار می‌تواند برای کشور از زوایای مختلفی مفید فایده باشد. از سال ۱۹۹۱ به این طرف که در نظام بین‌المللی تغییراتی ایجاد شد، شوروی از هم پاشید، نظام سلطه شرق و غرب در هم ریخت و به اشکال دیگری تغییر کرد تا امروز که سیاست مستقل و صحیحمان این است که دنیا چگونه برای ما ظرفیت و امکانات دارد مواجه این منظور هستیم که چطور می‌توانیم با حفظ منافع ملی از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم. در برهه‌ای از زمان تلاشی شد که سیاست آمریکایی بر جهان حاکم شده و جهان تک قطبی شود اما خیلی زود مشخص شد که جهان تک قطبی مقدور نیست. لذا اکنون جهان چند قطبی شده و شاید برخی کشورها را نتوانیم بگوییم قطب اما به خاطر ظرفیت‌های انسانی، جاذبه‌ها و عملکرد مدرنشان تبدیل به قدرتی شده‌اند که بر روی آن قدرت حساب می‌شود. در این نظام بین‌المللی نقش اتحادیه‌های منطقه ای خیلی مهم است. یعنی اگر شما بتوانید در یک منطقه‌ای به عنوان همراه و همکار یک گروه قدرتمند اقتصادی همراهی و همکاری کنید در حقیقت توانستید نقش خود را در این منطقه برجسته کنید. اکنون ایران در سازمان شانگهای عضویت رسمی یافته است و اگر بتواند یک پیمان منطقه‌ای در خلیج فارس ایجاد کرده و پیمان‌هایی از این دست بر اساس ظرفیت‌ها و مزیت‌ها ایجاد کند می‌تواند سود و دستاوردهای بسیاری برای خود کسب کند. همانطور که می‌دانید این پیمان‌ها اقتصادی است و همه امروز قبول کردند که اقتصاد هم یکی از منابع اصلی قدرت است. لذا دیگر قدرت فقط به سلاح، بمب هسته‌ای و... نیست و یکی از منابع اصلی قدرت اقتصاد است. شما اگر بتوانید در همین چارچوب منافع خود را تامین و تضمین کنید می‌توانید خود را بالا بکشید در حدی که در نظام بین‌الملل نیز حرفی برای گفتن داشته باشید. شعارهایی که دولت‌ها و فعالان سیاسی می‌دهند اشکالی ندارد اما واقعیت بر روی زمین و آمار است و اینکه در دنیا چند درصد توانستید از این ظرفیت بزرگ اقتصادی استفاده کنید، در مجامع مختلف حضور پیدا کنید و از این ظرفیت‌ها بهره برداری کنید. مفهوم ورود به این اتحادیه‌ها این است که به سمت بهره برداری از ظرفیت‌های جهانی هم حرکت کنیم. اتفاقا وقتی شما اینگونه به ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی اهمیت دهید بهتر می توانید از ظرفیت‌های جهانی استفاده کنید. امروز اصل مزیت‌های نسبی که در اقتصاد بین الملل مطرح است یکی از اصول مهمی است که همه به دنبال آن هستند تا مزیت‌های نسبی خود را با هم به اشتراک بگذارند و به یک قدرت مشترک تبدیل شوند. لذا قدرت شما هر میزان که باشد در نظام بین‌الملل به شکل واقعی تاثیرگذار خواهد بود. بنابر این من به اهمیتی که آقای رئیسی به این نوع دیدگاه به سیاست خارجی داده و اولین سفرش نیز در همین راستا بود بسیار استقبال می کنم و معتقدم ما باید به طور جدی در ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای و شرکت در سایر پیمان‌هایی که مزیتی در آن برای ما وجود دارد همینطور فعال و به دنبال منافع کشور باشیم. اینها به ما در رفع تحریم کمک می کند و می‌تواند علامت خوبی باشد که اگر سیاست‌های خوبی را جلو ببریم به نتایج خوبی خواهیم رسید و هم تحریم‌ها برطرف می‌شود و هم یک سیاست متوازن و متعادل را در پیش خواهیم گرفت. آقای رئیسی هم می‌خواهد همان سیاست قبلی آقای روحانی را انجام دهد و به واقع هم همینطور است، چراکه در سیاست خارجی همه چیز در اختیار دولت نیست و هم در زمان دولت آقای روحانی و حتی قبل از آن سیاست خارجی بر روی یک کانتکس ملی دیده و پیاده شده است.

برخی مطرح می‌کنند که در دولت آقای روحانی سیاست خارجی بر مبنای تعامل با دنیا و بخصوص آمریکا و اروپا پیش رفت هرچند که قرارداد ۲۵ ساله با چین و قراردادهای دیگر با روسیه نیز در این دولت شکل گرفت؛ اما در دولت آقای رئیسی صرفا نگاه به همسایگان و شرقی‌ها است چقدر بر این دوگانه و تحلیل قائل هستید؟

خیر؛ اینها صرفا مسائلی تبلیغاتی است. این خطا است که یک کشور در عرصه سیاست خارجی همه تخم مرغ‌های خود را در سبد یک کشور قرار دهد و خطا است که ما فقط به روسیه و چین فکر کنیم و به یک طرف متمایل شویم. همین نگاه به شرق اگر در کنارش همکاری و روابط با غرب و سایر دنیا نباشد قطعا شکست می‌خورد و نمی‌تواند رو به جلو برود، چراکه همه این کشورهایی که در این پیمان‌ها شرکت می‌کنند تعهداتی دارند. اکنون این سومین دولت در ایران است که درگیر تحریم‌ها است و ما دیدیم که در فرایند رفع تحریم‌های هسته‌ای از سوی این کشورها هیچ اتفاقی نمی‌افتد مگر اینکه نظام بین‌الملل آن هم با سازوکارهای خود به مساله ورود کند. نظام بین‌الملل نیز مشخص است که در آن فعلا آمریکا بزرگترین قدرت اقتصادی جهان است و کشورها این ریسک را انجام نمی‌دهند که با شرط بندی روی رابطه خودشان با ایران؛ روابط خود با آمریکا را تخریب کرده یا در معرض تهدید قرار دهند. خیلی از کشورها مثل همین چین بر مبنای منافع ملی خود با ایران و آمریکا تعامل دارند. چقدر تفاوت میان میزان تجارت ایران و آمریکا و ایران و چین است. کشوری که شراکت تجاری‌اش با آمریکا شاید به چند صد میلیارد تریلیون برسد چرا باید به شراکت تجاری بیست تا سی میلیاردی با ایران دل خوش کند. لذا اگر توازن نباشد و رابطه منطقی با دنیا نداشته باشیم و خود را از این شرایط تحریمی بیرون نکشیم با شرق هم نمی‌توانیم به جایی برسیم. آقای دکتر ظریف جمله‌ای از قول چینی‌ها گفت که خیلی کلیدی است و آن جمله این بود که «اگر بحث برجام و تحریم‌ها حل نشود همین چینی‌ها با ما کار نخواهند کرد.» البته در این دولت می گویند رفع تحریم‌ها و در دولت قبل می گفتند برجام؛ بالاخره هر دولتی به دنبال عملکرد مطلوب در سیاست خارجی است و از آن عمل مطلوب خود به نامی یاد می کند اما کار مهم هر دولتی در سیاست خارجی حفظ استمرار و منافع ملی و پیروی از یک سیاست متعادل و به قول آقای دکتر رئیسی متوازن است. هر چند که پخت و پز اولیه و تشکیلات پایه‌ای این عضویت دائم در سازمان شانگهای در دولت آقای روحانی شکل گرفت و این دولت صرفا از آن استفاده و کار را تمام کرد. لذا نمی‌توان این توافق را به طور کامل به نام دولت جدید نوشت، چراکه هنوز یک ماه است که وزیر امور خارجه روی کار آمده و به نظر نمی‌رسد که وزیر این میزان توانایی را داشته باشد که در همین مدت مقدمات عضویت دائم ایران در پیمان شانگهای را فراهم کرده باشد. لذا همه این مسائل به هم مرتبط است. ما در وزارت خارجه اصلا برای فعالیت‌های سیاسی و حزبی توجه زیادی قائل نیستیم. آنچه مورد توجه و قبول است اینکه هر دولتی روی کار می‌آید حق ندارد دستاوردهای دولت قبلی را نادیده بگیرد اما اگر ابتکارات جدیدی دارد می‌تواند اضافه کند. البته در همین راستا اگر موانع در پیش یا غلط‌هایی در گذشته موجود است دولت می‌تواند آنها را نیز جبران کند، چراکه رای مردم را داشته استقلال دارد، مدیریت کشور در دست دولت است و می‌فهمد که اشکال کارها در کجااست و چه ابتکارات و خلاقیت‌هایی برای پیشبرد بهتر امور لازم است. البته اینها مسائل حاشیه‌ای است آنچه مهم است استقبال دولت آقای رئیسی از مشارکت در اجلاس شانگهای و اظهارات خیلی مثبتی است که وجود داشت. لذا تلاش‌هایی در این راه بسیار مفید و موثر ارزیابی می‌شود. امیدواریم عین همین تلاش‌ها را در بحث برجام هم شاهد باشیم. وزیر امور خارجه که به نیویورک می‌رود و قرار است با وزرای ۱+۱+۴ مذاکراتی را در اتاق بغلی انجام دهند باید همین تلاش‌ها را انجام دهند تا در آنجا هم به نتیجه برسند تا برجام احیا و تحریم‌ها برداشته شود. در نتیجه زمانی که تحریم‌ها برداشته شود قرارداد ۲۵ سال با چین نیز مفهوم واقعی پیدا کرده و شفافیت بیشتری پیدا خواهد کرد. ممکن است که ما رابطه‌های بالایی با برخی کشورها داشته باشیم اما بعضا غیر شفاف است و مردم در جریان نیستند و ما ضررهای بسیار زیادی می‌کنیم و بعضی از این رابطه‌ها برای جامعه ایرانی زیانبار، مشکل ساز و برای آینده ایران خطر دارد. همین که مجبور باشیم با یک جا کار کنیم امر مطلوبی نیست. ایران کشوری با این وسعت سرزمینی و قدرتی که دارد نباید دنبال کشورها باشد و باید به نحوی رفتار کنیم که کشورها به دنبال ما بیایند. لذا می‌توان با همان سیاست متوازنی که آقای رئیسی قول داده عمل کنیم. در سیاست خارجی مسائل مقداری متفاوت با سیاست داخلی است.

پس بر این مساله قائل هستید که در توازن سیاست خارجی باید به همان اندازه که به سازمان شانگهای بها می‌دهیم برجام را نیز پیش برده و از ثمرات تعامل با غربی‌ها هم بهره ببریم؟

بله؛ من معتقدم اگر نتوانیم برجام را به جایی برسانیم شانگهای و رابطه با شرق ناقص خواهند ماند. اکنون که با ۱+۱+۴ مذاکره می‌کنیم اینها کشورهایی هستند که قدرت‌های برتر نظام بین‌الملل هستند و با یکدیگر در نوع رفتار با ایران تفاهم دارند. درست است که رفتار شخصی آنها با کشورها بر اساس منافع ملی تغییر دارد اما بدین معنا نیست که اگر با مجموعه جامعه جهانی نتوانیم به یک توافق پایدار، دقیق، طرفینی و با حفظ منافع برسیم در جاهای دیگر نیز سیاست‌هایمان به شکل ناقص پیگیری و مشکل آفرین خواهد بود.

حقوق‌های نجومی در دولت فسادستیز!

ادامه از صفحه اول / و سفرهای خارجی و حق ماموریت‌ها و تسهیلات و حق جلسات مدیران سقفی در نظر گرفته شود همچنان مورد بی‌توجهی است و گویا زشتی آن فقط مختص دولت آقای روحانی است! نکته بسیار مهم و کارشناسانه و علمی و عادلانه در این میان متوسط کاردانی، تعهد و پشتکار آقایان و خانم‌های مدیر و نماینده و مقام قضایی و روسای سازمانی و مدیران عامل شرکت‌های دولتی است. اگر آنان وظایف خود را به موقع و به‌شایستگی و تیزهوشی و مدبرانه و آینده اندیشانه انجام می‌دادند حتی لایق حقوق میلیاردی هم هستند، چنانچه اگر استانداری به موقع خطر سیل را تشخیص دهد و مقدمات لازم را فراهم کند و جلوی آسیب‌ها را بگیرد و از رنج و محنت هزاران نفر ممانعت به‌عمل آورد حتی از نظر عددی میلیاردها تومان سود رسانده است و از نظر معنوی دور کردن خطر از مردم هم که در حساب‌ها نمی گنجد. غم و حسرت و حرمان و افسوس آنجاست که بسیاری از مدیران با همین حقوق‌های نجومی در حوزه مسئولیت خود کم می‌آورند، حاشیه‌هایشان فراوان و غیبت‌های‌شان کثیر است و جلوی چشم‌شان اختلاس صورت می‌گیرد، ناگهان ۷۰۰ روستا بی‌آب می‌شوند، کرونا طغیان می‌کند، ساختمانی روی آتش‌نشانان فرو می ریزد، برق قطع می‌شود، اینترنت مراکز واکسیناسیون قطع می‌شود، ناگهان مرغ‌ها نایاب می‌شوند، کمبود هویج کار را به توزیع آن با شماره کارت ملی می کشد، چهار چرخ‌هایی گران به مردم می‌دهند که به لعنت خدا هم نمی‌ارزند و اسمش را خودرو می گذارند و هیچ‌کس هم حریفشان نیست... تو بخوان از این مجمل مفصل... اگر در تحریم هستیم و خزانه دولت با محدودیت شدید روبه‌رو بوده و هست و اگر گریزی از مشکلات موجود نیست حق و انصاف و عدالت حکم می کند که همه مردم به یک اندازه دچار مشقت باشند و در این میان مقامات باید پیشگام شوند و معیشت خود را شبیه اضعف مردم بسازند و اگر نمی‌توانند و طاقت کم‌خوری و سادگی را ندارند برای معیشت مردم هزینه‌سازی نکنند و متناسب با تحمل مردم شعار بدهند و مبارزه‌طلبی کنند و رسما بگویند مدیریت‌شان علی‌وار نیست.

شانگهای، بلوکه قدرتمند در برابر غرب

ادامه از صفحه اول / منابع انرژی در غرب چین، آسیای میانه، روسیه و ایران می تواند برآورده کننده نیاز به انرژی کشورهای عضو باشد؛ روسیه و ایران دو کشور نخست ۳. ظرفیت جایگزینی فرهنگی: وجود تمدن‌های درخشان و کهن در بین اعضای شانگهای با میراث غنی فرهنگی می‌تواند جایگزینی برای فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی فراهم آورد. حتی با ایجاد ویزای مشترک مشابه تجربه شینگن در اتحادیه اروپا، تنوع فرهنگی و اقلیمی شگفت‌انگیز کشورهای عضو شانگهای؛ از سواحل دریایی و جنگل گرفته تا کویر و کوهستان و جزایر در کنار مهم‌ترین میراث فرهنگی و باستانی جهان، نیاز مردم این منطقه به گردشگری را به طور کامل پوشش خواهد داد. ۴.جایگزینی هژمونی: رهایی از امپراطوری آمریکا و پایان دادن به سلطه چندین ساله آن، بدون وحدت و ایجاد قطب‌بندی‌های جهانی بسیار دشوار است. کشورهایی مثل ایران، چین و روسیه در مخالفت با وضع موجود و مقاومت در برابر استیلای آمریکا با همدیگر اشتراک نظری طولانی دارند. هند نیز به عنوان یک تمدن کهن و از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد که رهبرانی مثل گاندی و نهرو را به خود دیده، ظرفیت فکری لازم برای استقلال عمل در نظام بین‌الملل را داراست. در عین حال این پیمان برای پیوستن کشورهایی مثل ترکیه، قطر، کره شمالی، اندونزی، مالزی، ویتنام و همه کشورهایی که مایل به ایفای نقشی جدا از استیلای آمریکا در هندسه قدرت جهانی هستند، باز است. انتظار طولانی و غیرعقلانی ایران برای بدل شدن به عضو دائم که به بهانه‌های واهی بعضی از اعضا مثل تاجیکستان صورت می‌گرفت، نشان دهنده نفوذ آمریکا در این پیمان است. ماحصل اینکه پیمان شانگهای محل امید فراوانی برای احیای قدرت‌های کهن جهان است که در دوران جدید از غرب جاماندند و اینک هم از منظر آمریکا همواره درجه دو و سه تلقی شده‌اند. ایجاد یک بلوک قدرت نوین در برابر غرب در قالب پیمان شانگهای، حداقل از نظر تئوریک میسر خواهد بود؛ تا چه بازی رخ نماید.

گـــزارش

فراموشکار شدید...

ادامه از صفحه دو / که انتشار فایل تقطیع شده از یک گفت و گوی محمد جواد ظریف که در قالب تاریخ شفاهی انجام شده زمینه ساز تخریب وزیر امور خارجه در فضای رسانه‌ای شده بود. گمانه‌های زیادی درباره پست اینستاگرامی دیروز ظریف می‌توان مطرح کرد. برخی پس از پیوستن به اجلاس شانگهای بدون در نظر گفتن زمینه‌سازی برای اقدام در دولت قبل شروع به تخریب ظریف و وزارت خارجه کردند. به عنوان نمونه علی خضریان نماینده مجلس نوشته بود: «آنچه پیرامون پیوستن ایران به سازمان شانگهای جهت ثبت تجربه ملت ایران باید یادآوری شود، طرح ادعای جناب محمدجواد ظریف است که به منظور پیشبرد اهداف سیاسی جریان غربگرا، در نامه‌ای به مسئولان نظام مدعی موانع توهمی مانند وضعیت ایران در نسبت با FATF جهت عضویت در این سازمان شده بود.» البته ظریف به این ادعاها پیش از این پاسخ داده بود. او در آخرین گزارش خود به مردم در رابطه با اقدامات خود و وزارتخانه متبوعش درمورد کرونا و تهیه واکسن نوشت: مجموعا بیش از ۲۷ میلیون دوز واکسن شامل حدود ۵/۵ میلیون دوز به صورت اهدایی (به ارزش بیش از ۲۶ میلیون دلار) و ۲۱/۵ میلیون دوز به‌صورت خرید تامین شده است. همچنین ۲۰ میلیون دوز برای شهریورماه (سپتامبر) نهایی شده و ۳۰ میلیون دوز برای مهر و آبان در شرف نهایی شدن است که تلاش می‌شود در مهرماه دریافت شود. ظریف پیش از آن هم نوشته بود: «بنده و همکارانم در نبرد تمام عیار با جنایت تحریم و تروریسم اقتصادی، تمام سعی‌مان را برای افزایش واردات واکسن خارجی و تأمین نیازهای تولید داخلی انجام داده و خواهیم داد و در برابر مسئولان بهداشت کشور و ایثارگران سلامت سرتعظیم فرود آورده و دست تک تک آنها را می‌بوسیم. ولی متأسفانه حمله و توهین و افترا به دستگاه دیپلماسی از مستحب مؤکد هم عبور کرده و تبدیل به واجب عینی، و نه حتی واجب کفائی، شده است.»

واردات واکسن و چند نکته

رئیس جمهور دیروز اظهار داشت: «کشورهای دوست دیدند که دیگر توجه ما صرفا به غرب نیست، برای همین واردات واکسن افزایش پیدا کرد و عضو شانگهای شدیم... متاسفانه بعضی‌ها این بحث‌ها را متوقف بر پذیرش FATF کرده بودند.» از این صحبت‌های رئیس جمهوری در دیدار جمعی از فرزندان و خانواده شهدا می‌توان چند برداشت کرد. نخستین برداشت این است: «چون کشورهای دوست دیدند توجه ما به غرب نیست به ما واکسن دادند(!)» باید پرسید که این کدامین دوستی است که برای صادرات یا دادن واکسن و عمل به تعهداتش گروکشی می‌کند و شرط اعطای واکسن را منوط به عدم توجه به غرب می‌داند؟ نکته دیگر اینکه با این اوصاف چه باید درباره روسیه بگوییم و کاری که در ارتباط با واکسن با ما کرد؟ کشوری که حتی با علم به اینکه فهمید نگاهمان به غرب نیست هم تعهداتش را در قبال واکسن اجرائی نکرد و از آن ۶۲ میلیون وعده واکسنی، طبق گزارشات شاید چند صد هزار تایش محقق شد. ورود واکسن چینی البته به ایران در این زمان دلایل دیگری غیر از عنایت چینی‌ها بعد از اطمینان از عدم توجه صرف به غرب هم دارد، دلایلی مثل اینکه طبق اذعان حسینعلی شهریاری عضو کمیسیون بهداشت دلیل تاخیر این ورودها در ماه‌های پیش تمرکز بر تولید برکت و عرضه و تزریق آن به مردم بوده است. می‌توان این ورود را اینگونه استنباط کرد که بعد از اینکه مسئولان دیدند مرگ و میر و پیک‌ها پشت ادامه دارد فهمیدند دیگر باید شعارها را رها کنند و از چین واکسن آورند یا به قول علیرضا رئیسی سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا یکی از دلایل دیگر ورود واکسن‌ها این بود که واکسیناسیون بسیاری از کشورها انجام شده و در نهایت نوبت به ایران هم رسید. در مورد پیش خریدهای واکسن در دولت قبل که امروز میوه‌اش رسیده هم حرف و حدیث‌ها بسیار است و یا اینکه شاید از آن سنگ اندازی‌های ورود واکسن در دولت قبل اکنون در زمان فعلی دیگر خبری نیست.

تلاش برای پیوستن به شانگهای

بخش دیگر اظهارات رئـیسی به پیوستن به پیمان شانگهای برمی‌گردد. این در حالی است که کشور ما در تمام این سال‌ها بارها خواستار عضویت در این پیمان شده بود و اما با آن مخالفت شد و دلیل اصلی این مخالفت هم همان کشورهای دوست بودند. هیچ گاه به دلیل این مخالفت‌ها در همه این سال‌ها اشاره‌ای نشد و از ایران اصرارها و از چین انکارها را نگفتند. البته به سیر توافقات دوستی‌های ایران و چین در این حد هم سخنی نگفتند مثل اینکه چقدر سند توافق ۲۵ ساله ایران و چین در این پیوستن دخیل است، توافقی که در مورد مفاد دقیق آن هیچ گاه شفاف‌سازی نشد و دلیل این عدم شفافیت هم از سوی مسئولان ما به چین ربط داده شده که چون آنها راضی به انتشار توافقات نیستند ما هم منتشر نمی کنیم. توافق ۲۵ ساله با چین که در آن دولت روحانی به خواست چینی‌ها در حاشیه رفته بود و به جایش لاریجانی به عنوان نماینده نظام در آن نقش پررنگتری داشت را خیلی ها نشانه کوچک بینی و دهن کجی چین به دولت روحانی و عدم علاقه شان به آن ارزیابی می کردند.

مساله FATF

اما تحلیل نه چندان مطلوب دیگری که از این اظهار نظر رئیسی می توان کرد این بخش از سخنان اوست که گفته: «متاسفانه بعضی‌ها این بحث‌ها را متوقف بر پذیرش FATF کرده بودند» شاید به ظاهر دولت جدید، دولت قدیم را سرکوفت بزند و به نوعی دستاورد خود را در این زمینه بسیار ارزنده تلقی کند، اما این جمله رئیسی یک معنای خاص دیگر می‌تواند داشته باشد اینکه دولت کنونی اکنون مانند مجلس انقلابی و ساختارهای خاص دیگر چندان تمایلی به تصویب FATF ندارد و آن را مهم ارزیابی نمی کند، این طرز تفکر قطعا زنگ خطری برای آینده اقتصاد و تعامل با دنیای بین الملل می تواند باشد. در جمله رئیسی در باره FATF نوعی بی‌میلی نسبت به آن دیده می‌شود که نگران کننده است. عدم پیوستن به توصیه های FATF و احتمالا موضع گیری غیرمحسوس علیه لوایح- پذیرفته نشده- قبلی دولت روحانی مربوط به FATF؛ ماحصل و نتیجه گیری از این اظهار نظر رئیسی است. این در حالی است که برای تبادلات مالی حتی در صورت رفع تحریم‌ها، پذیرش خواست‌های FATF یک ضرورت است که ظاهر از سوی دولت جدید انکار می‌شود با این توجیه که بدون وجود آن هم ایران توانست به پیمان شانگ های بپیوندد. البته بیم آن می رود این روند بیانگر وابستگی بیشتر به همان کشورهای دوست شود چرا که بدون FATF و نبود آلترناتیو دیگری به جای این کشورهای دوست (!) ما باید امتیازهای بیشتری هم در آینده به دوستان مذکور بدهیم. اظهارنظر رئیسی درهمین دوسه جمله پر از حرف‌ها و سیاست‌های نهفته‌ای است که احتمالا در دوره پیشرو به آن برخواهیم خورد و باید خویش را برای هر نتیجه‌ای پس از این توجه به کشورهای دوست آماده کنیم.